«نیاز ملموس نیاز است، نه ارزش انتزاعی؛ آسمان را زمین‌ها باید ساخت»

نگارنده: پرینه مهرداد شهابی، دبیر بخش تفکر و ترجمه

□ ۱۲ مهرماه ۱۴۰۱ ـ ۳ اکتبر ۲۰۲۲ ـ ۲۰ صفحه

در سومین نشست ماهانهٔ «انجمن ترجمه‌ی ماه» در سالن ۲۰۴ دانشکده‌ی ادبیات، دبیر بخش تفکر و ترجمه، پرینه مهرداد، سخنرانی خود را با پرسشی ساده آغاز کرد: «وقتی می‌گوییم آسمان، آیا منظورمان همان چیزی است که کودک در ذهن خود می‌سازد، یا چیزی که ستاره‌شناس با تلسکوپ می‌بیند؟ و اگر هر دو را می‌خواهیم، چه کسی باید زمین را بسازد تا آسمان معنا پیدا کند؟» این پرسش، که در ظاهر ساده است، در ادامه به یکی از کلیدی‌ترین مباحث ترجمه‌ی متون علمی و فلسفی در زبان فارسی بدل شد. مهرداد استدلال کرد که ترجمه‌ی مفاهیم انتزاعی بدون ساختن زمین‌های ملموس برای آن‌ها، همچون ساختن آسمان بدون ستون، ممکن است زیبا به نظر برسد اما فرو می‌ریزد.

مهرداد مثال زد که واژه‌ی «جاذبه» در متون قدیم گاه به صورت «کشش زمین» ترجمه می‌شد و این ترجمه برای مخاطب روستایی قرن گذشته کاملاً قابل فهم بود، زیرا هر کس با طناب و سنگ کار کرده بود و می‌دانست زمین چگونه چیزها را به خود می‌کشد. اما وقتی همان واژه برای دانش‌آموز شهری قرن حاضر ترجمه شد، دیگر هیچ تجربه‌ای پشت آن نبود و معنا به حافظه‌ی صرف تبدیل شد. او گفت این همان است که زمین ملموس را به آسمان انتزاعی می‌دوزد و نتیجه پارگی است، نه پوشش.

در بخش دوم سخنرانی، مهرداد به سه راهکار عملی اشاره کرد. نخست، استفاده از تمثیل‌های بومی به شرط آن که تمثیل دیگر توضیح داده شود تا به جای روشن‌کردن، مه‌آلود نکند. دوم، ساختن واژه‌نامه‌ی پایدار که در آن هر واژه‌ی انتزاعی با یک واژه‌ی ملموس و یک مثال همراه باشد و هر ویرایش ثبت شود تا مترجمان بعدی بدانند چه تغییری رخ داده است. سوم، برگزاری کارگاه‌های خوانش گروهی که در آن مترجم متن را برای مخاطب واقعی می‌خواند و از او می‌پرسد کجا گیر کرده است. او گفت این سه راهکار هیچ‌کدام تازه نیستند، اما ترکیب آن‌ها است که کار را از حد تمرین فراتر می‌برد.

پرسش‌های حاضران نیز به همین محور بازگشت. یکی از دانشجویان پرسید آیا ترجمه‌ی متون دینی هم همین مشکل را دارد و آیا نباید زمین تازه‌ای برای آن ساخت. مهرداد پاسخ داد که متون دینی زمین‌های بسیار کهن‌تری دارند که هزاران سال است مردم در آن زیسته‌اند و همین زیستن است که معنا را نگه می‌دارد. اما همان پرسش برای ما معتبر است و پاسخ آن نیز باید از زندگی مردم برخاسته باشد، نه از کتاب دیگر. او افزود که ترجمه‌ی علمی امروز بیش از هر زمان به گفت‌وگو با کشاورز، معلم و کارگر نیاز دارد، زیرا این گروه‌ها هستند که زمین را می‌شناسند.

در پایان، مهرداد از حاضران خواست تا یک واژه‌ی انتزاعی از زبان خود انتخاب کنند و برای آن یک جمله بسازد که در آن واژه به چیزی ملموس اشاره کند. بسیاری از حاضران واژه‌هایی مانند «عدالت» و «آزادی» را برگزیدند و او از هر یک خواست تا بگوید این واژه را در کجا لمس می‌کند. این تمرین ساده، به گفته‌ی او، همان کاری است که مترجم هر روز باید انجام دهد. نشست با تصمیم به برگزاری دومین نشست در بهار آینده به پایان رسید و قرار است فراخوان ارسال چکیده‌ها تا پایان دی‌ماه منتشر شود.

«نخ را نه، زمین را بکش»

نگارنده: مهرداد شهابی‌نژاد

در کارگاه ترجمه‌ی متون علمی که ماه گذشته در سالن ۲۰۴ دانشکده‌ی ادبیات برگزار شد، مهرداد شهابی‌نژاد جمله‌ای را روی تخته نوشت که بسیاری از حاضران آن را ساده دیدند: «نخ را نکش، زمین را بکش تا نخ معنا پیدا کند». او توضیح داد که در ترجمه‌ی متون علمی و فلسفی، مترجم گاه ناچار است واژه‌ای انتزاعی را به زبان دیگر منتقل کند، اما اگر آن واژه را بدون پشتوانه‌ی ملموس رها کند، خواننده نخی را می‌بیند که به هیچ چیز وصل نیست و می‌افتد.

مهرداد مثال زد که واژه‌ی «جاذبه» در متون قدیم گاه به صورت «کشش زمین» ترجمه می‌شد و این ترجمه برای مخاطب روستایی قرن گذشته کاملاً قابل فهم بود، زیرا هر کس با طناب و سنگ کار کرده بود و می‌دانست زمین چگونه چیزها را به خود می‌کشد. اما وقتی همان واژه برای دانش‌آموز شهری قرن حاضر ترجمه شد، دیگر هیچ تجربه‌ای پشت آن نبود و معنا به حافظه‌ی صرف تبدیل شد. او گفت این همان است که زمین ملموس را به آسمان انتزاعی می‌دوزد و نتیجه پارگی است، نه پوشش.

در بخش دوم سخنرانی، مهرداد سه راهکار عملی ارائه